

افغانستان و سازمان تجارت جهانی (WTO)

در سالهای آخر حکومت آقای کرزی مقامات حکومتی (وزارت تجارت) با اشتیاق بسیار تلاش های برای پیوستن افغانستان به سازمان تجارت جهانی را شروع کردند، اما من نمی دانم که کار آن تا به کجا رسیده است. در این نوشته می خواهم اشاره کوتاهی بر تجارت بین المللی سازمان های ناظم بر آن "گات" و "سازمان جهانی تجارت" داشته باشم و سپس دیدگاه خود را پیرامون پیوستن افغانستان به این سازمان و پهلوی های مثبت (مزایا) و منفی (معایب) آن ابراز بدارم.

چنانکه می دانیم تجارت بین المللی - عبارت از مبادله کالا و خدمات بین اقتصاد ملی دولت ها است. و آن خیلی پیش در اعماق قدیم زاده شده، اما فقط در قرن 19 شکل بازار جهانی را بخود می گیرد. تجارت جهانی در شرایط معاصر بمثابة نتایج عمیق تقسیمات بین المللی کار، اختصاصی شدن کشور های مختلف برای تولید انواع معینی کالا ها بر حسب سطح پیشرفت تکنیکی - اقتصادی هر کشور و شرایط طبیعی و جغرافیایی آن تبارز می کند.

سازمان تجارت جهانی از ابتدایی سال 1995 میلادی برای مدیریت مناسبات تجارت چند جانبه بین المللی جایگزین گات شد. موافقتنامه عمومی در باره تعرفه های گمرکی و تجارتی (GATT genral agreement on Tariffs and Trade). موافقتنامه چند جانبه که در سال 1947 در باره اصول مربوط به تعرفه های گمرکی و سیاست تجارتی میان کشور های امضا کننده بعمل آمد. و از سال 1948 عملی میبشد. اصول اساسی گات عبارتند از اصل عدم تبعیض: ماده 2 موافقتنامه، هریک از کشور های عضو را مجبور می کند که بلا فاصله و بدون قید و شرط، امتیازات و تسهیلاتی را که برای یکی از طرفهای قرارداد تجارتی قایل می شود برای همه کشور های طرف قرارداد منظور کند. به عبارت دیگر هر کشور مجبور است مساعد ترین تعرفه های گمرکی را برای کشوری در نظر گرفته است برای همه کشور های طرف قرارداد در نظر بگیرد. همچنین در پی تجدید نظری که در 1954-1955 در گات بعمل آمد، کشور های امضا کننده از اول جنوری 1958 از اعطای هرگونه کمک های بلاعیوض مستقیم یا غیر مستقیم (سوبسیدی) به صادرات خود منع شدند و به موازات آن نمی توانند به محصولات وارداتی عوارض، مالیات تبعیضی وضع کنند، بطوریکه کالا های وارداتی را در شرایط رقابتی نا برابر با کالا های داخلی قرار دهد. اصل یکسانی که در حقوق و عوارض گمرکی که به موجب آن کشور های امضا کننده گات نمی توانند تعرفه های گمرکی، مالیات و محدودیت های مشابه را از سطحی که در سال 1947 تعیین شده بالا ببرند. بعبارت دیگر محدودیت ها را می توانند تخفیف دهند ولی نمی توانند تشدید کنند.

استثنا های در این اصل مخصوصاً از سال 1955 به نفع کشور های توسعه نیافته پیش بینی شده است. کشور های اخیر می توانند برای حمایت از فرآورده های کشاورزی یا صنایع خود در مواردی که بیلاسن های شان با خطر مواجه باشد با وضع محدودیت از لحاظ کمی یا حمایت گمرکی، اصل مزبور را رعایت نکنند. اصل مذاکره، گات کشور ها را ملزم می کند که در باره مسائل تجارتی فی مابین منظمأ مذاکره کنند و ماده 19 موافقتنامه مقرر میدارد که تخفیف تعرفه ها باید با امتیازات متقابل اخذ شود. تقاضا های تخفیف گمرکی به کشور های وارد کننده توسط کشور های اصلی صادر کننده عرضه می شود، امتیاز اخذ شده سپس به تمامی کشور های مشارکت کننده تعمیم داده می شود.

دینامیک و ساختار تجارت جهانی وابسته از جایگزینی عوامل اساسی تولید در بین کشور های مختلف، از ساختار تولید جهانی است. چنانکه در قرن 19 در مبادله مواد خام، مواد غذایی و محصولات صنایع سبک چربی داشت، اما در شرایط حاضر سهم کالا های صنعتی، به خصوص ماشین و تجهیزات بطور بارز افزایش یافته است. بعد از دوره جنگ سهم مواد خام در ارزش صادرات بین المللی از 3/5 تا 1/3، و سهم کالا های تیار صنعتی تا 2/3 افزایش یافت. مبادله حجم محصولات (قطعات) تکمیل کننده و احتیاطی (reseve) رشد سریع صادرات مجدد (re-export) مثلاً بعد از نصب و مونتاژ قطعات اساسی ماشین افزایش میبشد.

در شرایط کنونی در عرصه مبادله بین المللی دستاورد های افکار علمی – فنی (جواز تجاری licence و غیره) شامل گریده، سهم آن تا 10 درصد کل دوران را احتوا میدارد. از پیشرفت تجارت محصولات پیچیده تکنالوژیکی، لایسنس نامبرده می شود. هرگاه در سال 1970 حجم جهانی صادرات لایسنس 2،4-7،2 میلیارد دالر را تشکیل میداد، در نیمه دوم سالهای 80 این رقم به 17 میلیارد دالر در سال افزایش یافت. در حال حاضر این رقم چندین مرتبه بیشتر را احتوا میدارد.

در شمار موضوعات تجارت بین المللی در حال حاضر، موضوعاتی چون کار ها و طرح های پروژه وی، اجاره درازمدت تجهیزات وسایل (lease)، انجینرینگ (قراردادهای مرتبه دار در ارایه خدمات انجینری – ساختمانی) و غیره، شامل گریده است.

صادرات کالا و خدمات – بمعنای انجام فروش آن در بازار خارجی است. موثریت اقتصادی صادرات طوری معین می شود که کشور صادر کننده، آن محصولی را صادر می کند که هزینه تولید آن کمتر از جهانی باشد. میزان برد در این وابسته از تناسب قیمت ملی و بین المللی این کالا، بازدهی کارکشور ها و سهم آن در دوران معاملات بین المللی این کالا در مجموع، می باشد.

واردات کالا و خدمات – کشور کالا ها و خدماتی را بدست می آورد که تولید آن در شرایط کنونی غیر اقتصادی است، یعنی خریداری محصولات با هزینه کمتر، نسبت به مصارف تولید آن در داخل کشور است. برای سنجش موثریت تجارت خارجی حاصل آن برد اقتصادی که این کشور از لحاظ ارضای فوری نیازمندی خود به کالا های معین از طریق واردت و آزاد سازی منابع که به تولید کالای مذکور در داخل کشور به مصرف می رسد، بحساب گرفته می شود. مجموع کل صادرات و واردات دوران کالایی تجارت خارجی را با کشور های خارج تشکیل می دهد.

هرگاه واردات نسبت به صادرات زیاد باشد، آنگاه سخن از یک کسر یا کمبود در بیلانس تجارت بمیان می آید.

بیلانس تجارت (Trade balance) عبارت از یک بیلانس است که واردات و صادرات یک کشور را در جریان یک سال زتاب می دهد.

سال	صادرات	واردات	سدا
1384	384 میلیون دالر	2471 میلیون دالر	2087 – کسر

منبع سالنامه احصائیوی افغانستان 1385

رقم 384 میلیون دالر صادرات ثبت شده رسمی در سال 1384 بوده که شامل قاچاق و اموال دوباره صادر شده نمی باشد. رقم 2471 میلیون دالر واردات اموال ثبت شده رسمی بوده که بخشی از آن دوباره صادر گردیده. در مجموع در ارقام واردات اقلام قاچاق و اموال کمک شده که از حقوق گمرکی معاف اند، شامل نمی باشد.

تذکر: بیلانس تجارت در تمام مدت زمان 1364-1384 کسر داشته چنانچه از 193 میلیون دالر در سال 1364 به 2087 میلیون دالر امریکایی در سال 1384 می رسد. در حال حاضر صادرات افغانستان را حدود یک میلیارد و واردات را ده میلیارد گذارش می دهند. که 90 درصد کسر را نشان می دهد.

میزان شمولیت یک کشور در روابط اقتصادی خارجی توسط یک تعداد شاخص ها مشخص می شود. مثلاً، سهمیه صادرات export quotas، واردات بر ارزش محصول ناخالص داخلی را نشان می دهد.

سنجش سهم واردات و صادرات در محصول ناخالص داخلی GDP باعث مقایسه واردات و بعداً صادرات با محصول ناخالص داخلی گزیده، آنگاه سهمیه واردات import quoats، سپس سهمیه صادرات export quotas بدست می آید.

سهمیه واردات = واردات تقسیم محصول ناخالص داخلی ضرب در 100

سهمیه صادرات = صادرات تقسیم محصول ناخالص داخلی ضرب در 100

سهمیه واردات و سهمیه صادرات در محصول ناخالص داخلی برای افغانستان در سال (1384)

ملیون دالر امریکایی درصد (%)

محصول ناخالص داخل (GDP)	338541	ملیون افغانی (6852)	دالر	100
صادرات	384			5,6
واردات	2471			38
سلدا بیلانس تجارتي	2087			
عواید صادراتی سرانه (23,6 ملیون)				18,3 دالر

منبع سالنامه احصائیوی افغانستان 1385

حجم صادرات بر سرانه نفوس یک کشور سطح باز بودن اقتصاد آنرا باز گو می کند. پوتانسپال صادراتی (ظرفیت وامکان صادرات) – عبارت از آن سهمیه محصول است که می تواند این کشور به بازار جهانی بدون رسانیدن ضرر به اقتصاد خویش (از حساب کسر نیازمندی داخلی) بفروش رساند

ضریب باز (آزاد) اقتصاد یک کشور - زمانی که مردم صادرات را در برابر عواملی که در صادرات سهم گرفته اند، یعنی واردات و محصول ناخالص داخلی بسنجند، آنگاه ضریب باز اقتصاد را بدست می آورند.

ضریب باز (آزاد) = صادرات تقسیم محصول ناخالص داخلی + واردات ضرب 100

ضریب باز اقتصادی نشان می دهد که چند درصد نفوس برای صادرات مصروف کار است.

از نیمه دوم قرن بیست به بعد تغییر ساختار جغرافیایی تجارت جهانی بمشاهده می رسد که نه تنها تغییرات اساسی را در وضعیت کشور های جداگانه در نظام روابط اقتصادی بین المللی، بلکه در اقتصاد جهانی در مجموع بازتاب می دهد. چنانکه در تجارت جهانی هر چه بیشتر کشور های صنعتی نو (هانکانگ، کوریای جنوبی، سنگاپور، تایوان، مالیزیا) در صادرات نقش بازی می کنند، که در آن کالا های صنعتی دارای جایگاه برجسته بوده و سهم آن در صادرات جهانی از 1960 – 1985 زیاده از دومرتبه افزایش یافته است. و این روند دارای آهنگ روبه رشد می

باشد. قابل ذکر است که در تغییرات رشد اقتصادی نقش مهم را کشور های در حال توسعه چین، هند، برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی (BRICS) در قرن بیست و یکم به خود اختصاص داده اند.

همزمان با عملکرد اقتصاد باز و تجارت آزاد حمایه دولتی از اقتصاد نیز وجود داشته است. از لحاظ تاریخی اشکال مختلف حمایه دولتی از منافع ملی در مبارزه در بازار های جهانی وجود دارد. در قرون 15-18، زمانیکه میرکانتلیسم بحیث یکی از تئوری های اساسی تبارز کرد یعنی دکتترین برطرفدار بود، دولت با تمام امکان صادرات را تشویق و واردات را جلوگیری می نمودند. یعنی که سیاست مستحکم حمایتی protectionism صنایع خودی از طریق اجرای محصول بلند وارداتی، انحصار دولتی بر تجارت انواع معین کالا ها رویدست گرفته میشد.

اما سیاست حمایتی ناگزیر به کاهش تجارت خارجی و انزوا خودی می انجامد. از اینرو در مرحله تحولات صنعتی کشور ها ناگزیر به سیاست تجارت آزاد free trade وارد شوند. اساس اینگونه سیاست اقتصادی را هزینه مقایسوی داوید ریکاردو تشکیل داد. صرف انگلستان در این موقف توانست به بازار های جدید دست یابد و وارد موقعیت پیشگام در اقتصاد جهانی گردد. بعد ها کشور های دیگر تدریجی موقف بازار آزاد را اختیار نمودند. لیبرالیزیشن تجارت خارجی بسیار سودمند برای هر کشور و همچنان برای تمام جامعه جهانی و منبع رشد رفاه دولت ها می باشد. اما نایابداری در تجارت جهانی، بحران اقتصاد جهانی کشور ها را مجبور ساخت تا در قرن 20 از نو سیاست حمایتی تجارتی را احیا کنند، این کار به معنای دوری از لیبرالیزیشن در بازار جهانی و تخطی از مناسبات تجارتی حاکم بود.

پروتکسیونیسیم معاصر مانند کلاسیک، به معنای تلاش دولت ها در تأمین شرایط بهتر برای تولید کنندگان کشور خود در بازار داخلی و حفاظت آن از رقابت واردت کنندگان است. شکل کلاسیک پروتکسیونیسیم تجارتی عبارت از محصول وارداتی و تعرفه گمرکی می باشد. بررسی ها نشان داده آنها تقریباً همیشه سطح رفاه را در کشور های شامل معامله از جمله خود کشوری که دست به ابتکار محدود سازی تجارت خارجی زده، کاهش میدهد.

اجرای تعرفه گمرکی پیش از همه بر مصرف کنندگان کالا های وارداتی اثر می گذارد، که مجبور اند یا آنرا به قیمت بلند بدست آورند و یا هم مقدار کمتر آنرا بخرند. تجربه نشان داده، که بعد از وضع تعرفه گمرکی تنها قیمت به محصولات وارداتی بلکه به کالا های مشابه داخلی نیز ترقی نموده است. تمام اینها باهم منجر به پائین آمدن بیشتر مصرف در آن کشور ها میشود.

از طرف دیگر تولید کنندگان داخلی از وضع تعرفه وارداتی برد دارند، چنانکه خریداران مجبور اند تا کالا های ایشان را بخرند. اما قاعدتاً این برد زیان مصرف کنندگان را که اکنون بنابر مجبوریت کالا های داخلی و خارجی را به قیمت بلند می خردند، جبران نمی کند.

ایجاب می کند تا پروتکسیونیسیم را به مثابه پدیده پیچیده مناسبات اقتصادی بین المللی بررسی نمود. چنانکه، اگر تعرفه آنقدر زیاد واردات را محدود نمی کند، آنگاه آن عواید زیاد را به دولت بوجود می آورد، که میتواند آنرا به مقاصد اجتماعی، کاهش مالیات و غیره بکاربرد. خاصتاً این به مدل دولتها یی ارتباط می گیرد که حمایه تعرفوی را به مثابه یکی از منابع عایداتی استفاده می برد. از 1/4 تا 3/5 بودجه دولتی کشور های دارای سطح پائین عاید ملی در شرایط کنونی از حساب محصول گمرکی تأمین می گردد. * سیاست حمایتی در اکثر کشور ها برای حفاظت عرصه جدید، ایجاد فرصت های شغلی اضافی، دفاعی از امنیت ملی و حیثیت ملی رویدست گرفته میشود. اما باید گفت که این سیاست در کل باعث کندی در روند پیشرفت علمی – تخیلی شده، چنانکه نزد مولدین محرک انگیزه کشف تکنالوژی جدید را که موجب کاهش هزینه تولید میگردد کاهش میابد.

هرگاه قبلاً سیاست حمایتی متکی بر پایه سیستم تعرفه گمرکی باشد، آنگاه بعد از جنگ دوم جهانی اهمیت موانع غیر تعرفوی خیلی افزایش یافت، تعداد آنها همواره روبه رشد است و انواع مختلف آن در شرایط حاضربه تقریباً 50 میرسد. اهداف موانع غیر تعرفوی عبارت از محدودیت عمومی واردات به کمک تبعیض تجارتی کشور های معین است. از شمار موانع غیر تعرفوی میتوان از انحصار دولتی تجارت خارجی، تأمین نیازمندی دولت صرف با تولیدات داخلی، کنترل پیچیده اسعار برای واردات کالا، معیار های بهداشتی برای مواد غذایی و غیره نامبرد.

در سال های اخیر تعیین سهمیه واردات شکل خیلی گسترش یافته موانع غیر تعرفوی را بخود گرفته، یعنی محدودیت مقداری حجم محصولات خارجی که سالانه دولت اجازه واردات آنها به داخل کشور داده است. برای این منظور دولت برای واردات محدود جواز صادر می کند و واردات بدون جواز را منع قرار میدهد.

هرگاه میزان سهمیه واردات نسبت به تقاضا در بازار داخلی کم باشد، انگاه آن تنها حجم واردات را کاهش می دهد، بلکه باعث بلند شدن قیمت داخلی بر قیمت جهانی شده که دارنده جواز در خارج میخرد. در این معنا واردات مجاز شبیه محدودیت تعرفوی است.

از میان عوامل گسترده استفاده سهمیه واردات رقابت شدید خارجی، همچنان نیازمندی حکومت به انعطاف زیاد و تسلط در اجرای سیاست اقتصادی، به ویژه در آن شرایطی که نمیتواند مستقلانه تعرفه ای را بالا ببرد که تنظیم آن توسط موافقتنامه های تجارت بین المللی می شود را نام میبرند.

پروتکسیونیسیم دولتی میتواند هم به واردات و هم به صادرات ربط داشته باشد، ضمناً در رابطه به صادرات سیاست سوبسیدی نسبت به مالیه گذاری استفاده می شود، با آنکه اجرای سوبسیدی در صادرات باعث درز در موافقتنامه بین المللی می گردد. یکی از مقررات سازمان تجارت جهانی سوبسیدی صادرات را بحیث « رقابت ناسالم» می شناسد و به کشور های وارد کننده این محصول توصیه می کند تا تدابیر مقتضی را از طریق استقرار حمایتی «محصول جبران کننده» بعمل آورند. البته راه های مختلف سوبسیدی دولتی از گذرخواست GATT وجود دارد، مثلاً ارایه قرضه با سود کمتر به صادرکننده، ویا مشتری خارجی آنها، سازماندهی ریکلام وغیره.

در میان سیاست حمایتی دولت دمپینگ (فروش در خارج پایین از قیمت تولید) جای مشخصی را دارا بوده، آن عبارت از تبعیض قیم در بازار جهانی است، که بر اساس آن شرکت صادر کننده کالای خود را در برخی بازار خارجی ارزانتر نسبت به بازار داخلی بفروش می رساند. دمپینگ تاراج گرانه، یا استقرار موقت قیمت پائین وجود دارد که میتواند بعد از اخراج رقیب از بازار مورد نظر استقرار یابد. دمپینگ دائمی میتواند برای مدت نامحدود ادامه داشته باشد.

اینگونه سیاست تجارتي دولت خاصاً و اغلب در مراحل هیجانات و تزلزل اقتصاد جهانی پیش می آید، مانند سالهای 20-30 و 70-80 قرن 20.

چگونه می توان دمپینگ را توضیح نمود؟ هرگاه شرکت (Company) در بازار داخلی دارایی قدرت انحصاری قوی نسبت به خارج باشد، و برای مصرف کننده داخلی امکان انتخاب در خرید محصول مورد نظر به قیمت خیلی پائین در خارج نباشد، انگاه قیمت دمپنگی کالای صادراتی زمینه سود آوری بیشتر را برای کپنی مذکور مساعد می سازد. در این حالت شرکت میتواند از حساب مصرف کنندگان خود در داخل متمویل شود.

به نظر سازمان و برپایه تئوری های اقتصادی مورد پسند بازار آزاد، تمام کشورها « به طور جمعی » از تجارت آزاد بهره مند می شوند ولی میزان بهره مندی اعضا متفاوت است.

نحوه تصمیم گیری در سازمان تجارت جهانی، همان روش معمول در گات است، به نحوی که هر کشور عضو، دارای یک حق رای است و اتفاق نظر عمومی منوط به عدم مخالفت رسمی تمام اعضا است. در عین حال، تصمیم گیری نیز با اکثریت آرا اتخاذ می شود.

اما افغانستان

افغانستان می تواند در روشنی کامل از وضعیت تجارت جهانی، جایگاه کشور ها و عملکرد سیاست های تجارتي (آزاد و حمایتی) مزایای تجارت جهانی با توجه به قوانین و مقررات و تعاملات جاری سازمان تجارت جهانی، موقعیت و جایگاه خویش را در پیوستن به آن مشخص سازد. اما پیش از آن لازم است تا اقدامات ملی و منطقوی را انجام دهد:

در سطح ملی

- 1- تأمین امنیت در کشور.
- 2- کسب آگاهی کامل از تاریخچه تجارت جهانی و سازمان های ناظم آن (GATT و WTO) وظایف ،اهداف و اصول عضویت در آن ، اصول تجارت جهانی، فرآیند جهانی شدن و سازمان های بین المللی اقتصادی و به ویژه سه سازمان جهانی و مهم صندوق بین المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و سازمان تجارت جهانی (WTO) نقش مهم و قابل توجهی را در پیشبرد و فرایند جهانی شدن اقتصاد بر عهده دارند. این سه سازمان با توصیه هایی که بسیار الزام آور هستند، اقتصادهای ملی را به سمت اقتصاد جهانی و حضور در آن هدایت می نمایند. به طوری که نظم نوین اقتصاد جهانی در چارچوب اهداف و ماموریت های موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات و سازمان تجارت جهانی (WTO) قابل تبیین خواهد بود.
- 3- ایجاد بستر مناسب برای پیوستن از جمله، اصلاحات مطابق بر معیار های بین المللی در قوانین، بهبود عملکرد بانکی و پولی، تعرفه و گمرک؛ اصلاح ساختار اقتصادی و توسعه سیاسی و تأمین امنیت روانی و فزینی برای فعالیت های اقتصادی و....
- 4- ایجاد زیربنا (جاده های حلقوی و اتصالی با بندر های مرزی و خط آهن، ارتباطات هوایی).
- 5- شناسایی و محاسبه دقیق از ظرفیت های بلفعل و بلقوه اقتصادی و تجاری.
- 6- طرح و اجرای برنامه دقیق استراتژیک توسعه اقتصادی کشور و تعریف روشن از سیاست تجاری در آن.
- 7- هماهنگ ساختن تولید با تکنولوژی مدرن به هدف ارتقای قابلیت رقابتی در بازار های بین المللی.
- 8-

در سطح منطقه ای

- 1- امضای توافقنامه ترانزیت راه (TIR).
 - 2- حل مشکلات ترانزیتی و پیوند به راه های بحری.
 - 3- حل موانع ترانزیت کالا های تجاری و اجرایی ساختن مواد موافقتنامه های منطقه ای.
- پیوستن افغانستان به این سازمان مزایا و معایب هم در پی دارد. البته هر دومورد نسبی است. میزان مزیت و عیب آن بستگی به سطح آمادگی و آشنایی و استفاده از قواعد بازی در تجارت بین المللی و جهانی است. در زیر به مهمترین آنها اشاره می شود:

مزایا (Advantages)	معایب (Disadvantages)
1- امکان استفاده از مشاوره و سیستم های حمایتی WTO برای حل اختلافات تجاری 2- دسترسی آسانتر به بازار های خارجی 3- امکان جذب بیشتر سرمایه گذاران خارجی 4- تلاش در راستای توسعه صادرات و بهبود کیفیت تولیدات به معیار (standard) های بین المللی (درگام نخست زراعتی ،مالداری ،صنایع دستی ودر گام بعدی مواد خام از جمله معدنی و سپس به موازات صنعتی شدن کشور در صادرات کالاهای صنعتی و خدمات حرفی و به بخصوص محصولاتی که در تولید آنها مزیت دارد. 5- اصلاح سیستم های حمایتی در اقتصاد	1- امکان شدید تر شدن کسر بیلانس تجارت) به علت افزایش واردات که در حال حاضر هم مطلوب نیست) 2- افزایش نرخ تورم (به دلیل واردات) 3- احتمال گسترش بیکاری (اشتغال از بین نمی رود ولی بعضی از مشاغل که بازدهی ندارند، حذف می شوند و کارکنان این مشاغل به مشاغلی که بازدهی بیشتری دارند، جذب خواهند شد). 4- ورشکستی بسیاری از شرکت های داخلی به سبب نبود توانایی رقابت تاثیر منفی بالای رفاه و توزیع درآمد. 5- محدودیت آزادی و امنیت ملی. 6- احتمال تاثیرات منفی محیط زیستی و حقوق بشری (ناشی از برخی سیاستگذاری ها). 7- محدودیت به رشد اقتصادی از طریق بازار

داخلی.	6- کاهش فساد مالی و اداری. 7- دسترسی بیشتر شرکت های افغانستانی به تسهیلات مالی اعتباری (Financial And credit) موسسات مالی بین المللی 8- مکلف شدن دولت به گسترش میدان عملکرد بخش خصوصی.
--------	---

نتیجه

افغانستان تلاش خود را در راستای پوستن به سازمان تجارت جهانی باید پیگیری کند. و در مدت زمان پذیرش که ممکن است چند سال را در برگیرد (شرایط و زمان پذیرش هر کشور فرق دارد برای بعضی کشور ها کوتاه و برای بعضی دراز می باشد، برای روسیه و چین 10 سال بود) . باید تمام ابعاد فنی، حسابی و اقتصادی آنرا با توجه به وضعیت کشور کارشناسانه ارزیابی نماید. به تمام پرسش های مطروحه سازمان پاسخ لازم و شمرده در مذاکرات دوجانبه ارایه گردد . زمینه های مساعد برای بهبود ساختار اقتصادی و رشد سرمایه گذاری در بخش تولید زراعتی و صنعتی با طرح و اجرای برنامه توسعه اقتصادی – اجتماعی مهیا سازد. حالت موجود فعالیتهای اقتصادی و تجاری، واردات با هزینه بیشتر و محدودیت صادرات ناشی از موانع گمرکی و تعرفه در نداشتن عضویت در سازمان را مقایسه و سنجش نماید. سعی نماید تا از امتیازات و تسهیلات استثنایی بهره مند گردد.

با توجه به موارد اشاره شده در بالا و وضعیت خاص کشور هر چند در کوتاه مدت و میان مدت پوستن افغانستان به سازمان تجارت جهانی اثر منفی شدید دارد و در دراز مدت بستگی به سطح رشد اقتصادی و ارتقای توانایی ظرفیت های اقتصادی کشور خواهد داشت. زیرا میزان بهره مندی هر کشور بستگی به قدرت رقابت آن با رقبای خود در بازارهای بین المللی است. افغانستان نمی تواند از دایره نفوذ جهانی شدن بیرون بماند. بنابراین ناگزیر است تا با برداشتن گام های سنجیده شده و استوار در این راه حرکت نماید.

فقط داشتن دیدگاه روشن از جایگاه خود و تسهیلات مورد انتظار از سازمان تجارت جهانی می تواند میزان برد و باخت را در این معامله و بازی تا حد زیادی مشخص سازد.

دکتر دستگیر رضایی

29 ثور 1394 مطابق 19 می 2015.

منابع

1- www.international.gc.ca/trade-agreements.../wto.../wto-omc.aspx?

2- ec.europa.eu/growth/single-market/public...wto/index_en.htm

3- “Nieuw cultureel woorden boek ,Dolph Kohnstamm en elly Cassee,2003
Nederland”

4- <http://en.wikipedia.org/wiki/BRICS>

5- <http://www.unece.org/tir/welcome.html>

-6 https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/.../inbr03_e.htm

-7 30- Second Economics, Lannoo nv, Tielt, 2010.

-8 داکتر دستگیر رضایی " گذار افغانستان از اقتصاد سنتی چند ساختاری و ترکیبی به نظام اقتصاد بازار "شهمه –هالند، 1391، صفحه 109 و 110.

-9 * (مراجعة شود به ، پ.ح.لیندرت. اقتصاد روابط جهانی.مسکو، 1992. صفحه 1449).